مثال به تعدد قرائات

این کلی را در نظر بگیرید. اگر اینها را کنار هم بگذاریم خیلی خوب می‌شود. متأسفانه در زمان ما مسأله قرائات در فقه نیست. اما قبل از قرن یازدهم که بین فقهای بزرگ شیعه اینطور نبود. عبارت قطب را خواندم. دیدید که چطور برخورد می‌کردند. ببینید در روایت خصال، امام علیه‌السلام اصل اختلاف احادیث را به چه چیزی برگرداندند؟

> عَنْ حَمّادِ بْنِ عُثْمانَ قالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ ع إِنَّ الْأَحادِيثَ تَخْتَلِفُ عَنْكُمْ قالَ فَقالَ إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرُفٍ وَ أَدْنَى ما لِلْإِمامِ أَنْ يُفْتِيَ عَلَى سَبْعَةِ وُجُوهٍ ثُمَّ قالَ هذا عَطاؤُنا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسابٍ[1]

حضرت فرمودند: «إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرُفٍ وَ أَدْنَى ما لِلْإِمامِ أَنْ يُفْتِيَ عَلَى سَبْعَةِ وُجُوهٍ»، اگر به این صورت است، روی فرض مبانی که ما گفتیم، نه مبانی کسانی که تعدد را قبول ندارند، روی مبانی کسانی که سبعه احرف را قبول داشتند، در فقه نگاه کنید؛ در موارد بسیار زیادی هست که فقها در کتاب هایشان دارند، وقتی دو قرائت داریم، می‌گویند «آیتین» هستند. یعنی یک آیه است، ولی چون خود جبرئیل دو قرائت را نازل کرده، مثل دو آیه است. دو تا حکم دارد. خب اگر دو حکم است که تناقض می‌شود! جواب چه بود؟ این جزری گفت؛خود علماء شیعه هم گفتند. جواب چه بود؟ اختلاف تلاوت[2] است. «وَلا تَقْرَبُوهُنَّ حَتّٰى يَطْهُرْنَ[3] دارد یک حکم را می‌گوید؛ می‌گوید وقتی طهر آمد، حرمت می‌رود. قرائت دیگر می‌گوید: « ولاتقربوهن حتی یطهّرن»؛ «حتی یغتسلن». این قرائت یعنی چه؟ یعنی مستحب است. و سائر مواردیکه گفته اند. ببینید الآن ما دو حکمی داریم که هر دویش درست است، این تعدد قرائات دارد دو حکم را می‌گوید. نه اینکه یک حکم را بگوید و متعارض شود. دارد می‌گوید مستحب است که «لاتقربوهن حتی یغتسلن»، و یجوز و یرتفع الحرمه در «حتی یطهرن». به این روشنی تعدد قرائات می‌گوید اینکه قرآن «نزل علی سبعة احرف» است، وجوه مختلفی هست. یعنی جبرئیل چند قرائت را آورده، چند حکم را با هم گفته است. این مثال، انشاء بود. اخبارش در تفسیر منسوب به امام حسن عسگری بود؛ حضرت فرمودند: «وكل القرائتين حق، وقد قالوا بهذا وبهذا جميعا»[4]، آنها هر دو را گفته بودند. وقتی هر دو را گفته بودند، شما بگویید «وَقالُوا قُلُوبُنا غُلْفٌ[5]»، یا بگویید «وَقالُوا قُلُوبُنا غُلْفٌ»، هر دو را گفته اند. «قالوا» اخبار می‌کند از چیزی که آنها گفته اند. هر دوی آن را گفته اند. پس هر دو قرائت درست است. این برای اخبار بود. در انشاء هم هر دویش درست است. «حتی یطهُرن» تجوزاً، و «حتی یطهّرن» فضیلتاً.

---

[1] الخصال نویسنده : الشيخ الصدوق جلد : ۲ صفحه : ۳۵۸

[2] تفسير التبيان نويسنده : الشيخ الطوسي جلد : 3 صفحه : 271؛ «و الاختلاف علي ثلاثة اضرب: اختلاف تناقض، و اختلاف تفاوت، و اختلاف تلاوة. و ليس في القرآن اختلاف تناقض، و ال اختلاف تفاوت، لأن اختلاف التفاوت هو في الحسن و القبح، و الخطأ و الصواب، و نحو ذلك مما تدعوا إليه الحكمة أو يصرف عنه. و أما اختلاف التلاوة، فهو ما تالءم في الحسن، فكله صواب، و كله حق. و هو اختلاف وجوه القراءات و اختلاف مقادير الآيات و السور و اختلاف الأحكام في الناسخ و المنسوخ».

[3] البقره ۲۲۲

[4] تفسير الإمام العسكري نويسنده : المنسوب الى الإمام العسكري جلد : ۱ صفحه : ۳۹۰

[5] البقره ۸۸

بازبینی #1
ایجاد شده 18 آوریل 2026 12:11:29 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 آوریل 2026 12:12:27 توسط ... .